

ارزیابی نسبت عامل بندی در توصیفگرهای اصطلاحنامه‌های اصفا و علوم اسلامی: رویکرد کمی به تحلیل سطح پیش‌همارایی

دکتر مازیار امیرحسینی^۱
رؤیا محبی^۲

چکیده

استاندارد بین‌المللی ایزو ۲۷۸۸ و استاندارد بریتانیا ۸۷۲۳ بر کاربرد توصیفگرهای بسیط و تجزیه‌ی توصیفگرهای مرکب یا پیچیده به عناصر معنایی مجزا تأکید دارند. این استانداردها از عامل بندی به عنوان روش تجزیه‌ی اصطلاحات مرکب نام می‌برند. قواعد و انواع عامل بندی در جهت کاهش کاربرد توصیفگرهای مرکب و حرکت به سمت تدوین توصیفگرهای بسیط وضع شده‌اند. به این ترتیب، باید همواره رابطه‌ی مشخصی میان تعداد توصیفگرها و تعداد کلمات به کار برده شده در ساختار آنها برقرار باشد. در نسبت عامل بندی این باور وجود دارد که همواره تعداد توصیفگرهای یک کلمه‌ای باید بیشتر از توصیفگرهای دو کلمه‌ای و توصیفگرهای دو کلمه‌ای بیشتر از توصیفگرهای سه کلمه‌ای و الی آخر باشد. شیوه‌ی محاسبه‌ی نسبت عامل بندی بر مبنای تحلیل نسبت بین توصیفگرها با شمار کلمات گوناگون است. در این پژوهش به منظور تبیین نسبت عامل بندی بین توصیفگرها با شمار کلمات گوناگون، توصیفگرهای اصطلاحنامه‌های اصفا، اصول فقه، منطق، فلسفه، علوم قرآنی و کلام اسلامی، مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته‌اند. در تحلیل کمی عامل بندی از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. در بررسی این موضوع از شیوه‌ی تجزیه و تحلیل ارتباطی بهره گرفته شده که یکی از انواع روش‌های بررسی در تحلیل محتواست. جامعه‌ی مورد پژوهش در تحلیل کمی نسبت عامل بندی، توصیفگرهاست که با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی تعیین شده است. نتایج پژوهش نشان داد که در اصطلاحنامه‌های مورد بررسی، همواره تعداد توصیفگرهای یک کلمه‌ای کمتر از توصیفگرهای مرکب دو کلمه‌ای بود. بیشترین میزان کاربرد توصیفگرهای یک کلمه‌ای در اصطلاحنامه‌های اصفا، منطق، و کلام اسلامی قابل شناسایی است. بهترین

نتایج درکاهش سطح پیش‌همارایی به ترتیب در اصطلاحنامه‌های اصفا، اصول فقه، و فلسفه محقق شده است.

کلیدواژه‌ها

ارزیابی کمی، نسبت عامل‌بندی، عامل‌بندی، توصیف‌گرها، توصیف‌گرهای مرکب، اصطلاحنامه اصفا، اصطلاحنامه اصول فقه، اصطلاحنامه منطق، اصطلاحنامه فلسفه اسلامی، اصطلاحنامه علوم قرآنی، اصطلاحنامه کلام اسلامی.

مقدمه

زبان طبیعی نیز تأثیرات عمیقی داشته است. به این ترتیب که به‌طور مشخص، کاربرد اصطلاحات مرکب را مورد هدف قرار داده و تا حد امکان، بر عدم کاربرد آنها تأکید دارد. بنابراین، قواعد و استانداردهای خاصی برای تجزیه اصطلاحات مرکب و شکل‌گیری توصیف‌گرهای واحد، ساده، و یا بسیط ارائه شده است.

از جمله استانداردهای متداول در ساخت اصطلاحنامه، استاندارد بین‌المللی ایزو ۲۷۸۸ و استاندارد بریتانیا ۸۷۲۳ است. استانداردهای پیش‌گفته، بر کاربرد توصیف‌گرهای بسیط و تجزیه توصیف‌گرهای مرکب یا پیچیده به عناصر معنایی مجزا تأکید دارند. در این میان نیز به قواعد تجزیه اصطلاحات مرکب اشاره داشته و این قواعد را ذیل مفهوم عامل‌بندی اصطلاحات مرکب، تعریف می‌کنند. قواعد و انواع عامل‌بندی در جهت کاهش کاربرد توصیف‌گرهای مرکب و حرکت به سمت تدوین توصیف‌گرهای بسیط وضع شده‌اند. اگر بپذیریم که کاهش کاربرد

تحلیل یک مفهوم و نمایش آن در بستر واژه‌ها، به منظور تدوین ساختار یک توصیف‌گر، از جمله مباحث عمیق متخصصان در عرصه مدیریت اسناد و مدارک بوده است. این مقوله، ناشی از مبانی فکری در نظام‌های نمایه‌سازی و تدوین اصطلاحنامه‌ها در نظام ذخیره و بازیابی اطلاعات است. این مبنای فکری، بر حرکت از تدوین واژگان پیش‌همارا به سمت پس‌همارایی در نظام بازیابی اطلاعات تأکید دارد که منشأ اصلی اختلاف بین ساختارهای سرعنوان‌های موضوعی و ساختار واژگان اصطلاحنامه‌هاست. به این ترتیب، از برقراری هرگونه رابطه نحوی میان واژه‌ها در ساخت یک توصیف‌گر، به منظور شکل‌گیری اصطلاحات مرجح در اصطلاحنامه، پرهیز می‌شود.

مقوله پرهیز از پیش‌همارایی در ساختار توصیف‌گرها نه تنها از قواعد پیش‌همارایی در زبان مصنوعی سرعنوان‌های موضوعی، فاصله گرفته، بلکه در تدوین توصیف‌گرها با

اصطلاحات مرکب در اصطلاحنامه‌ها و تدوین توصیفگرهای بسیط، هدف مهمی است که از مبنای فکری علم سندداری نشأت می‌گیرد، کاهش کاربرد اصطلاحات مرکب دو یا چندکلمه‌ای از ضروریات مسلم در ساخت توصیفگرها خواهد بود. به این ترتیب، باید همواره رابطه مشخصی میان تعداد توصیفگرها و تعداد کلمات به‌کار برده شده در ساختار آن باشد. یعنی هر چه تعداد کلمات به‌کاررفته در ساختار توصیفگرها افزایش یابد، باید از حجم آنها در اصطلاحنامه کاسته شود. در مقابل، هر چه تعداد کلمات به‌کاررفته در ساختار توصیفگرها کاهش یابد، باید بر حجم اینگونه توصیفگرها افزوده شود.

به این ترتیب، می‌توان رابطه مشخصی را بین حجم توصیفگرها و شمار کلمات به‌کاررفته در ساختار آنها یافت. در واقع، این مقوله مبنای فکری پیشنهاد نسبت عامل‌بندی^۳ توسط نگارنده بوده است. در نسبت عامل‌بندی این باور وجود دارد که حجم توصیفگرهای با یک کلمه کمتر باید، نسبت به توصیفگرهای با یک کلمه بیشتر، افزایش را نشان دهد. یعنی همواره تعداد توصیفگرهای یک‌کلمه‌ای بیشتر از توصیفگرهای دوکلمه‌ای و توصیفگرهای دوکلمه‌ای بیشتر از توصیفگرهای سه‌کلمه‌ای باشد. شیوه محاسبه نسبت عامل‌بندی بر مبنای تحلیل نسبت بین توصیفگرها با شمار کلمات گوناگون است، که از این طریق می‌توان به تبیین نوعی نسبت میان کاربرد

توصیفگرها با شمار کلمات گوناگون دست یافت.

در این پژوهش به‌منظور تبیین نسبت عامل‌بندی بین توصیفگرها با شمار کلمات گوناگون، توصیفگرهای اصطلاحنامه‌های *اصفا*، *اصول فقه*، *منطق*، *فلسفه*، *علوم قرآنی*، و *کلام اسلامی* مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته‌اند. به این ترتیب، در ضمن تأیید وجود نسبت پیش‌گفته بین توصیفگرها با شمار کلمات گوناگون در اصطلاحنامه‌های فوق، نتایج جالب توجه و ارزشمندی در تحلیل ساختار توصیفگرهای اصطلاحنامه‌های *اصفا* و *علوم اسلامی* به‌دست آمده است.

مسئله و سؤالات اساسی پژوهش

این پژوهش از نظر کمی به دنبال ارزیابی نسبت توصیفگرها با شمار کلمات گوناگون در اصطلاحنامه‌های *اصفا*، *اصول فقه*، *منطق*، *فلسفه*، *علوم قرآنی* و *کلام* می‌باشد. به این ترتیب، از نظر کمی مسئله مورد بحث در ارزیابی اصطلاحنامه‌های *اصفا* و *علوم اسلامی* عبارت است از:

«چگونگی وضعیت عامل‌بندی توصیفگرها از دیدگاه کمی در اصطلاحنامه‌های *اصفا* و *علوم اسلامی*».

با عنایت به مسئله فوق، سؤالات اساسی این پژوهش عبارت‌اند از:

۱. میزان کاربرد توصیفگرهای یک‌کلمه‌ای یا بسیط در اصطلاحنامه‌های *اصفا* و *علوم اسلامی* چگونه است؟

۲. حجم توصیفگرها بر اساس شمار کلمات

به کاررفته در ساختار آنها در اصطلاحنامه‌های مورد بررسی به چه میزان است؟

۳. چه نسبتی میان توصیفگرهای اصطلاحنامه‌های *اصفا* و *علوم اسلامی* براساس شمار کلمات به کاررفته در ساختار آنها برقرار است؟

۴. آیا اصطلاحنامه‌های مورد بررسی به سمت کاهش سطح پیش‌همارایی در ساختار توصیفگرهای خود حرکت کرده‌اند؟

۵. بیشترین حجم توصیفگرها، براساس شمار کلمات به کاررفته در ساختار آنها، به چه توصیفگرهایی اختصاص یافته است؟

روش پژوهش

در تحلیل کمی عامل‌بندی توصیفگرها در اصطلاحنامه‌های *اصفا* و *علوم اسلامی* از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. در بررسی این موضوع از شیوه تجزیه و تحلیل ارتباطی، که یکی از انواع روش‌های بررسی در تحلیل محتواست، مدد گرفته شده است. در تجزیه و تحلیل ارتباطی، ارتباط لغات و کلمات، به‌خصوص با کلمات و لغات دیگر یا با عبارات و جملات دیگر، از نظر تکرار و کیفیت آن مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد (۴: ۱۳۸).

جامعه پژوهش

جامعه پژوهش در تحلیل کمی نسبت عامل‌بندی در اصطلاحنامه‌های *اصفا* و *علوم اسلامی*، توصیفگرها هستند. قابل ذکر است که در تحلیل و ارزیابی کمی این موضوع، امکان تحلیل و بررسی کلیه

توصیفگرها وجود نداشت. بنابراین، لازم بود که حجم مشخصی به‌عنوان جامعه نمونه از اصطلاحنامه‌های *اصفا* و *علوم اسلامی* انتخاب شود. به همین دلیل از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی استفاده شد. به این ترتیب، با استفاده از جدول تعداد جامعه و تعداد نمونه کرجسی و مورگان با سطح اطمینان ۹۵ درصد (۳: ۱۰۹)، تعداد نمونه برای هر یک از اصطلاحنامه‌های مورد بررسی تعیین شد. از اصطلاحنامه *اصفا*، ۲۱۷ صفحه و تعداد ۳۶۲۲ توصیفگر به‌عنوان نمونه انتخاب شد. تعداد ۱۴۴ صفحه و ۲۰۰۷ توصیفگر از اصطلاحنامه *اصول فقه*، تعداد ۱۵۰ صفحه و ۲۶۵۷ توصیفگر از اصطلاحنامه *منطق*، تعداد ۲۹۱ صفحه و ۲۳۱۶ توصیفگر از اصطلاحنامه *فلسفه اسلامی*، تعداد ۱۴۴ صفحه و ۱۷۵۵ توصیفگر از اصطلاحنامه *علوم قرآنی*، و تعداد ۲۲۶ صفحه و ۳۹۰۷ توصیفگر از اصطلاحنامه *کلام* انتخاب شد و مورد بررسی قرار گرفت. قابل ذکر است، به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات، کتابچه‌ای در نرم‌افزار اکسل طراحی شد. این کتابچه حاوی ۴۲۲ سلول بوده که جهت ثبت اطلاعات استخراج شده، از توصیفگرهای اصطلاحنامه‌های *اصفا* و *علوم اسلامی* مورد استفاده قرار گرفت.

عامل‌بندی چیست؟

در حیطه نمایه‌سازی موضوعی و تحلیل ساختار توصیفگرهای اصطلاحنامه به منظور انتخاب اصطلاح مرجح، استانداردهای ایزو ۲۷۸۸ و استاندارد بریتانیا ۸۷۲۳ بر تجزیه

اصطلاحات مرکب تأکید کرده‌اند (۶: ۶). تجزیه یک اصطلاح به عناصر معنایی مجزا، عامل‌بندی گفته می‌شود. عامل‌بندی به دو شیوه انجام می‌شود:

۱. **عامل‌بندی معنایی**^۴: این شیوه را می‌توان هم در کلمات ساده و هم در اصطلاحات مرکب به کار برد. اصطلاحی را که نشان‌دهنده مفهومی پیچیده است می‌توان با استفاده از عناصر ساده‌تر یا عناصر تشکیل‌دهنده تعریف آن، مجدداً بیان کرد و هریک از این عناصر را می‌توان برای بیان مفاهیم مختلف در ترکیبات دیگر به کار برد.

۲. **عامل‌بندی نحوی**^۵: این شیوه در باب اصطلاحات مرکبی به کار می‌رود که از لحاظ شکل به اجزای جداگانه بخش‌پذیر باشند و هریک از این اجزا را بتوان مستقلاً به‌عنوان یکی از اصطلاحات نمایه‌ای به کار برد (۱: ۲۸-۲۹).

قابل ذکر است که معمولاً بر حرکت از کاربرد توصیفگرهای مرکب به سمت کاربرد توصیفگرهای بسیط از طریق عامل‌بندی، به منظور برقراری سازگاری و پرهیز از پیش‌همارایی در واژگان اصطلاحنامه‌ها، تأکید می‌شود. استاندارد ایزو ۲۷۸۸ کاربرد روش عامل‌بندی نحوی را بر عامل‌بندی معنایی مقدم می‌دارد، زیرا عامل‌بندی معنایی موجب کاهش مانعیت در ذخیره و بازیابی اطلاعات می‌شود (۵: ۲۸). البته گروه دیگری معتقد هستند که عامل‌بندی معنایی در نمایش مفاهیم پیچیده و برقراری رابطه بین زبان‌های طبیعی متفاوت در اصطلاحنامه‌های چندزبانه، عامل

برقراری سازگاری در فرآیند نمایه‌سازی و بازیابی اطلاعات می‌شود (۱۱). صرف‌نظر از تعابیر گوناگون پیرامون اهمیت و فایده هریک از روش‌های عامل‌بندی، به‌طورکلی قواعد ساخت اصطلاحنامه‌ها، مانند استاندارد بین‌المللی ایزو ۲۷۸۸ و استاندارد بریتانیا ۸۷۲۳ در همین خصوص، دست تدوین‌کنندگان و اصحاب اصطلاحنامه‌ها را در کاربرد هریک از روش‌های عامل‌بندی باز گذاشته است (۱۳: ۴). به این ترتیب، کاربرد قواعد عامل‌بندی و روش‌های گوناگون آن، بر اساس محتوای متون مورد نمایه‌سازی و حیطة موضوعی اصطلاحنامه، قابل انتخاب است (۹: ۳).

تأثیرات عامل‌بندی

تأثیر عامل‌بندی در تجزیه اصطلاحات مرکب به واحدهای بسیط در نظام ذخیره و بازیابی اطلاعات بدین شرح است:

- کاهش شمار اصطلاحات مرجح یا توصیفگرها در اصطلاحنامه؛
- افزایش شمار کلیدواژه‌ها به منظور دسترس‌پذیر ساختن اطلاعات برای استفاده‌کنندگان و نمایه‌سازان؛
- کاهش مانعیت از طریق بازیابی اطلاعات غیرمرتبط؛
- افزایش جامعیت در دسترس‌پذیر ساختن اسناد و مدارک؛

- افزایش سطح انعطاف‌پذیری از طریق تجزیه توصیفگرهای مرکب، به‌عنوان مثال با تجزیه توصیفگر «بیماران سرطانی» به

«بیماری‌ها» و «سرطان» به نمایه‌سازان و استفاده‌کنندگان امکان جست‌وجوی اخص‌تری را برای بیماران بهبود یافته و انواع خاص سرطان می‌دهیم؛

- کاهش حجم اصطلاحنامه از طریق عامل‌بندی اصطلاحات مرکب؛

- کاهش سطح پیش‌همارایی در ساختار توصیفگرهای مرکب؛ و

- تحقق سهولت برای همارایی کلیدواژه‌ها در کاربرد جبر بولی در مرحله‌بازیابی اطلاعات (۸: ۱۰).

نسبت عامل‌بندی

نسبت تعداد توصیفگرها با شمار کلمات گوناگون، نسبت عامل‌بندی نام دارد. در این سنجش، تعداد توصیفگرهای ۱با ۲، ۲ با ۳، و ... n کلمه‌ای مورد مقایسه قرار می‌گیرد. قابل ذکر است که این نسبت برای اولین بار توسط نگارنده پیشنهاد شده است (۲: ۲۶۵). مبنای فکری این نسبت برگرفته از استاندارد ایزو ۲۷۸۸ در تدوین اصطلاحنامه است. به این ترتیب که تأکید این استاندارد بر ایجاد توصیفگرهای بسیط و ساده در اصطلاحنامه است. در مقابل این تأکید، پرهیز از کاربرد توصیفگرهای مرکب نیز وجود دارد. از طرف دیگر، در بخش ۷-۱-۱ در استاندارد بریتانیا با شماره ۸۷۲۳، که راهنمای ساخت واژگان به منظور بازیابی اطلاعات است، بر کاربرد اصطلاحات نمایه‌ای و توصیفگرهای واحد و بسیط و نیز عامل‌بندی اصطلاحات پیچیده به چندین مفهوم واحد توصیه شده است (۱۲). با عنایت به آنچه گفته شد، در ساختار

توصیفگرهای اصطلاحنامه‌ها بر کاربرد حداقل کلمات برای ارائه یک مفهوم واحد تأکید می‌شود. بنابراین، می‌توان گفت که از دیدگاه تعداد کاربرد کلمات در ساختار آنها، باید رابطه‌ای بین توصیفگرها وجود داشته باشد. به این مفهوم که باید نوعی نسبت بین تعداد توصیفگرهای ۱ کلمه‌ای با ۲ کلمه‌ای، توصیفگرهای ۲ کلمه‌ای با ۳ کلمه‌ای، و قس علیهذا در نظر باشد. بر مبنای این تفکر است که نسبت عامل‌بندی پیشنهاد شده است.

اگر بخواهیم به‌طور دقیق و مشروح این نسبت را مورد تحلیل قرار دهیم، باید به‌عنوان پیش‌فرض، کاربرد توصیفگرهای بسیط در اصطلاحنامه و در حد امکان پرهیز از کاربرد توصیفگرهای مرکب را در تدوین ساختار توصیفگرها بپذیریم. همان‌گونه که پیش‌تر گفتیم، پیش‌فرض موردنظر در استانداردهای تدوین اصطلاحنامه‌ها مورد تأکید قرار گرفته است (۱: ۲۷-۳۶). در این شرایط در تدوین ساختار توصیفگرها در بیان مفاهیم، حرکت از کاربرد توصیفگرهای مرکب به سمت کاربرد توصیفگرهای بسیط خواهد بود. در این مقوله تعداد کلمات به‌کاررفته در یک توصیفگر ملاک حرکت از کاربرد توصیفگرهای مرکب به سمت کاربرد توصیفگرهای بسیط است. قابل ذکر است که دلایل کاربرد توصیفگرهای مرکب و نیز روش عامل‌بندی اینگونه اصطلاحات، باید همواره در بخشی باعنوان ساختار توصیفگرها، در مقدمه اصطلاحنامه مورد اشاره واقع شود (۷).

پرهیز از کاربرد توصیفگرهای مرکب، به‌طور تلویحی بر کاربرد تعداد کلمات کمتر در ساخت توصیفگرها دلالت دارد. تأکید استانداردها بر این مهم نیز به منظور کاهش حجم اصطلاحنامه‌ها و نیز پرهیز از پیش‌همارایی در ساخت توصیفگرهاست. چراکه افزایش توصیفگرهای مرکب در اصطلاحنامه‌ها با حجم واژگان در اصطلاحنامه رابطه مستقیم دارد. به این مفهوم که هرچه کاربرد توصیفگرهای مرکب در اصطلاحنامه افزایش یابد، حجم واژگان اصطلاحنامه افزایش خواهد یافت. از طرف دیگر ماهیت و تفکر اولیه در تدوین اصطلاحنامه‌ها، حرکت از تدوین واژگان پیش‌همارا (مانند سرعنوان‌های موضوعی) به سمت تدوین واژگان به منظور پس‌همارایی (مانند اصطلاحنامه‌ها) بوده است. به این ترتیب، استانداردهای تدوین اصطلاحنامه‌ها، پس‌همارایی توصیفگرها را در زمان بازیابی اطلاعات مورد تأکید قرار داده و به پرهیز از پیش‌همارایی در تدوین ساختار توصیفگرها اشاره می‌کند.

با توجه به آنچه گفته شد، در کاهش حجم واژگان اصطلاحنامه و نیز پرهیز از پیش‌همارایی در تدوین ساختار توصیفگرها، تعداد کلمات به‌کاررفته در تدوین توصیفگرها نقش اساسی را بازی می‌کنند. هرچه تعداد کلمات در ساختار توصیفگرها کاهش یابد، حرکت به سمت تدوین توصیفگرهای

بسیط افزایش یافته و از طرف دیگر حجم واژگان و سطح پیش‌همارایی کاهش می‌یابد. بنابراین، بین کاربرد تعداد کلمات در ساختار توصیفگرها با حرکت به سمت توصیفگرهای بسیط رابطه معکوس؛ و بین کاربرد تعداد کلمات با حجم واژگان و سطح پیش‌همارایی توصیفگرها، رابطه مستقیم وجود دارد.

نتیجه موردنظر در اینجا این است که در تدوین توصیفگرهای اصطلاحنامه‌ها باید حرکت به سمت کاهش تعداد کلمات به‌کاررفته و کاهش کاربرد توصیفگرهای مرکب باشد^۶. این قیاس می‌تواند قابل تسری به توصیفگرها با شمار کلمات گوناگون باشد. به این مفهوم که هرچه تعداد توصیفگرها با تعداد کلمات بیشتر افزایش می‌یابد، باید از حجم آنها در اصطلاحنامه کاسته شود. یعنی باید بین تعداد توصیفگرهای چندکلمه‌ای با حجم این قبیل توصیفگرها در اصطلاحنامه رابطه معکوس وجود داشته باشد. به‌عنوان مثال، توصیفگرهای مرکب پنج یا شش‌کلمه‌ای نباید در اصطلاحنامه وجود داشته باشد (یعنی این توصیفگرها باید عامل‌بندی شوند) یا در صورت ضرورت وجود آنها، باید تعدادشان به حداقل برسد. البته توجه منطقی حضور توصیفگرهای مرکب چندکلمه‌ای، عدم عامل‌بندی آنها، و موانع موردنظر در این مقوله باید در مقدمات اصطلاحنامه درج شده باشد (۱۰). از

۶. کاهش توصیفگرهای مرکب در بیان یک مفهوم به معنای درنظر نگرفتن ساختارهای مرکب در هدایت نمایه‌ساز و استفاده‌کننده نیست. بلکه می‌توان در روابط هم‌ارز، از غیرتوصیفگرهای مرکب به توصیفگرهای تجزیه شده به روش عامل‌بندی دست یافت (۱۱).

طرف دیگر، کاهش حجم این توصیفگرها از طریق تکیه بر نقطه کانونی یا شکل پایه این توصیفگرها صورت می‌گیرد (۱۴: ۱۸۲).

حال با توجه به نتایج و مقدمات پیش گفته، می‌توان تحلیل نهایی را در مبنای فکری ایجاد نسبت عامل‌بندی ارائه کرد. گفتیم که باید بین تعداد توصیفگرهای چندکلمه‌ای با حجم این قبیل توصیفگرها در اصطلاحنامه رابطه معکوس وجود داشته باشد. این رابطه را می‌توان در قیاس با توصیفگرهایی که دارای شمار کلمات گوناگون در اصطلاحنامه هستند، تسری داد. به این مفهوم که در یک اصطلاحنامه تعداد توصیفگرهای شش کلمه‌ای باید کمتر از توصیفگرهای پنج کلمه‌ای در باشد و به همین ترتیب تعداد توصیفگرهای پنج کلمه‌ای کمتر از چهار کلمه‌ای، چهار کلمه‌ای کمتر از سه کلمه‌ای، و قس علیهم. این ارتباط بین توصیفگرها با شمار کلمات گوناگون در خصوص حجم آنها در اصطلاحنامه، عامل شکل‌گیری نسبت عامل‌بندی بوده است.

بنابراین، در اصطلاحنامه‌ها، تعداد توصیفگرهای با یک کلمه بیشتر در ساختار آنها باید کمتر از توصیفگرهای با یک کلمه کمتر در ساختار آنها باشد. یعنی هرچه تعداد کلمات در ساختار توصیفگر، کاهش می‌یابد، حجم آنها در اصطلاحنامه باید افزایش پیدا کند. در اینجا به تشریح فرمول محاسبه نسبت عامل‌بندی می‌پردازیم:

در فرمول فوق، شاخص‌های صورت کسر $ND_1, 2, 3, \dots, ND_n$ نماینده تعداد توصیفگرها با تعداد کلمات گوناگون هستند. به این مفهوم که ND_3 یعنی تعداد توصیفگرهای سه‌کلمه‌ای در اصطلاحنامه. در مخرج کسر نیز حاصل جمع تعداد توصیفگرها با شمار کلمات گوناگون قرار گرفته است. به منظور تبیین فرمول فوق، سنجه ND_2 + ND_1 را تحلیل می‌کنیم. در این سنجه، تعداد توصیفگرهای یک کلمه‌ای بر مجموع توصیفگرهای یک و دو کلمه‌ای تقسیم می‌شود. نتیجه حاصل از این سنجه، میزان کاربرد توصیفگرهای یک کلمه‌ای به نسبت توصیفگرهای دو کلمه‌ای خواهد بود. به عبارت دیگر، نتیجه این فرمول نمایش‌دهنده حجم توصیفگرهای یک کلمه‌ای به نسبت توصیفگرهای دو کلمه‌ای است. به عنوان مثال، اگر نتیجه حاصل از این نسبت، معادل $0/35$ باشد، نشان‌دهنده این مطلب است که از ۱۰۰ توصیفگر یک و دو کلمه‌ای در اصطلاحنامه، ۳۵ مورد آن یک کلمه‌ای و ۶۵ مورد آن، توصیفگر دو کلمه‌ای است. فرمول پیش گفته، قابلیت ارائه به شکل ساده‌تری را نیز دارد. به این ترتیب که می‌توان سنجه‌های صورت و مخرج کسرهای فوق را با دو حرف a و b نمایش داد. بنابراین فرمول به شکل زیر نمایش داده می‌شود:

$$FR = a / b$$

حرف a در فرمول فوق به مفهوم تعداد

$$\frac{ND_1}{ND_1 + ND_2}, \frac{ND_2}{ND_2 + ND_3}, \frac{ND_3}{ND_3 + ND_4}, \dots, \frac{ND_n}{ND_n + ND_{n+1}}$$

توصیفگرها با شمار کلمات گوناگون است و معادل $ND_1, 2, 3 \dots ND_n$ قرار می‌گیرد. حرف b به مفهوم حاصل جمع تعداد توصیفگرها در تناسب است که تناسب در اینجا به معنای تعداد توصیفگرها با یک کلمه کمتر به علاوه تعداد توصیفگرها با یک کلمه بیشتر است. در اینجا تعداد توصیفگرها با یک کلمه کمتر، همواره معادل میزان موجود در صورت کسر بوده یا همان مقدار شاخص حرف a است. به این ترتیب می‌توان گفت که تناسب مورد نظر در مقدار شاخص‌های b همواره شامل حاصل جمع توصیفگرهایی با یک کلمه کمتر و یک کلمه بیشتر است که تعداد توصیفگرهای با یک کلمه کمتر در صورت کسر با حرف a در نظر گرفته شده است.

در اینجا به ذکر مثالی می‌پردازیم: اگر در نظر داشته باشیم که نسبت عامل‌بندی را در تبیین حجم توصیفگرهای سه و چهارکلمه‌ای محاسبه کنیم، به ترتیبی که تعداد توصیفگرهای سه‌کلمه‌ای معادل ۷۵ عدد و توصیفگرهای چهارکلمه‌ای معادل ۲۵ عدد باشد، شیوه محاسبه نسبت عامل‌بندی به شکل زیر خواهد بود:

تعداد توصیفگرهای سه‌کلمه‌ای $a =$

حاصل جمع توصیفگرها در تناسب $b =$

$$FR = \frac{75}{75 + 25} = 0.75$$

نتیجه فوق به این مفهوم است که از مجموع ۱۰۰ توصیفگر سه و چهارکلمه‌ای، ۷۵ عدد توصیفگرهای سه‌کلمه‌ای است. همان‌گونه که مشاهده می‌کنید، میزان توصیفگرهای

سه‌کلمه‌ای به نسبت توصیفگرهای چهارکلمه‌ای بیشتر است. این نتیجه مبین این مطلب است در نتیجه عامل‌بندی فوق تعداد توصیفگرهای با یک کلمه کمتر، بیشتر از توصیفگرهایی با یک کلمه بیشتر است که نتیجه صحیحی می‌باشد.

قابل ذکر است که نتیجه به دست آمده از نسبت عامل‌بندی باید همواره بیش از ۰/۵ یا ۵۰ درصد باشد. پژوهش‌های انجام شده درباره نسبت عامل‌بندی، در تحلیل توصیفگرها با شمار کلمات گوناگون، در هفت اصطلاحنامه فارسی نشان می‌دهد که نتیجه ایده‌آل برای این نسبت در تناسب‌های گوناگون، بیشتر از ۰/۶ یا ۶۰ درصد است.

محاسبه نسبت عامل‌بندی در اصفا و اصطلاحنامه‌های علوم اسلامی

در این بخش به تحلیل توصیفگرها با شمار کلمات گوناگون و نسبت‌های برقرار شده بین آنها در اصطلاحنامه اصفا، اصول فقه، منطق، فلسفه، علوم قرآنی، و کلام اسلامی می‌پردازیم. به منظور ارائه تحلیل‌های مورد نظر در این قسمت، ابتدا به محاسبه نسبت‌های بین توصیفگرهای یک با دوکلمه‌ای، دو با سه‌کلمه‌ای، و قس علیهم در اصطلاحنامه‌های پیش‌گفته پرداخته و به دنبال آن به ارائه نتایج و مقادیر حاصل در قالب نمودار، اقدام می‌نماییم. ارائه نمودارهای مرتبط با نسبت عامل‌بندی، به تبیین مفهوم این نسبت بین توصیفگرها با شمار کلمات گوناگون کمک خواهد کرد.

نسبت عامل بندی در اصفا

نتایج حاصل از شمارش تعداد توصیفگرهای ۱ و ۲ و ... n کلمه‌ای در اصطلاحنامه اصفا در تناسب‌های زیر آمده است. به این ترتیب که توصیفگرهای یک کلمه‌ای در جامعه مورد بررسی در این اصطلاحنامه، معادل ۷۸۹ عدد، دو کلمه‌ای ۲۲۰۱ عدد، سه کلمه‌ای ۵۶۹ عدد، چهار کلمه‌ای ۶۱ عدد، پنج کلمه‌ای ۲ عدد می‌باشد. بنابراین نسبت عامل بندی بین این توصیفگرها به شرح ذیل است:

$$\frac{۲}{۲+۰}, \frac{۶۱}{۶۱+۲}, \frac{۵۶۹}{۵۶۹+۶۱}, \frac{۲۲۰۱}{۲۲۰۱+۵۶۹}, \frac{۷۸۹}{۷۸۹+۲۲۰۱}$$

$$FR = ۰/۲۶۳۸, ۰/۷۹۴۵, ۰/۹۰۳۱, ۰/۹۶۸۲, ۱$$

حاصل محاسبات بالا نشان دهنده رابطه بین توصیفگرها با شمار کلمات گوناگون است. همان گونه که مشاهده می‌شود، تعداد

توصیفگرهای یک کلمه‌ای نسبت به دو کلمه‌ای، ۲۶ درصد است. این رابطه در مقایسه با نتایج حاصل از نسبت توصیفگرهای ۲ با ۳، ۳ با ۴، و ... کلمه‌ای معکوس می‌شود. به این ترتیب که توصیفگرهای دو کلمه‌ای نسبت به سه کلمه‌ای ۷۹ درصد است، یعنی در این نسبت تنها ۲۱ درصد از توصیفگرها سه کلمه‌ای هستند. به منظور روشن شدن هرچه بیشتر مفهوم نسبت عامل بندی بین توصیفگرها با شمار کلمات گوناگون در اصفا، نمودار ۱ ارائه می‌شود.

با توجه به نمودار ۱ مشخص می‌شود که توصیفگرهای دو کلمه‌ای در اصفا دارای شمار بیشتری نسبت به توصیفگرهای یک کلمه‌ای هستند. لیکن به استثنای رابطه بین توصیفگرهای یک با دو کلمه‌ای، رابطه مشخص و صحیحی بین توصیفگرها با شمار کلمات گوناگون در اصطلاحنامه اصفا



نمودار ۱. مقایسه توصیفگرها با شمار کلمات گوناگون در اصطلاحنامه اصفا

حاکم است. این رابطه مبین این مطلب است که تعداد توصیفگرهایی که در ساختار آنها یک کلمه کمتر استفاده شده، بیشتر از تعداد توصیفگرهایی است که در ساختار آنها از کلمات بیشتری استفاده شده است. تحلیل صحت این رابطه از آنجا ناشی می‌شود که باید تدوین‌کنندگان اصطلاحنامه‌ها، به سمت کاربرد کلمات کمتر در ساختار توصیفگرها حرکت کنند و تا حد امکان از پیش‌همارایی در ساختار توصیفگرها، پرهیز نمایند. همان‌گونه که نتایج نسبت عامل‌بندی در توصیفگرها با شمار کلمات گوناگون نشان می‌دهد، پرهیز از پیش‌همارایی و کاهش میزان کاربرد کلمات در ساختار توصیفگرهای مرکب در اصفا از نسبت توصیفگرهای یک و دوکلمه‌ای به بعد، رعایت شده است. نکته دیگر اینکه در نمودار ۱ از نسبت توصیفگرهای ۲ با ۳ کلمه‌ای به بعد شاهد سیر صعودی نتایج نسبت عامل‌بندی بین توصیفگرها با شمار کلمات گوناگون می‌باشیم.

همان‌گونه که پیش‌تر بیان کردیم، مورد استثنا در تناسب بین توصیفگرها با شمار کلمات گوناگون، اختصاص به رابطه بین توصیفگرهای یک با دوکلمه‌ای دارد. در این نسبت، تعداد توصیفگرهای مرکب دوکلمه‌ای نسبت به توصیفگرهای یک‌کلمه‌ای رجحان دارند. به عبارت دیگر، این نسبت (نسبت ۱ با ۲ کلمه‌ای) در اصفا ۲۶ به ۷۴ درصد است. نتیجه‌ای که در این زمینه حاصل می‌شود این است که در اصفا نسبت کاربرد توصیفگرهای یک‌کلمه‌ای کمتر از توصیفگرهای مرکب دوکلمه‌ای است.

نکته مهم دیگر این است که تعداد توصیفگرهای مرکب دوکلمه‌ای در جامعه مورد بررسی این اصطلاحنامه، معادل ۲۲۰۱ عدد است که حجم قابل توجهی را به نمایش می‌گذارد. از طرف دیگر، می‌توان گفت که تعداد توصیفگرهای یک‌کلمه‌ای در جامعه مورد بررسی این اصطلاحنامه معادل ۷۸۹ عدد است که این تعداد از توصیفگرهای مرکب سه، چهار، و پنج‌کلمه‌ای، بیشتر است. بنابراین، کاهش تعداد توصیفگرهای یک‌کلمه‌ای در نسبت توصیفگرهای یک و دوکلمه‌ای به دلیل افزایش حجم زیاد اینگونه توصیفگرهاست (۲۲۰۱ عدد). درحالی‌که در مقایسه توصیفگرهای یک‌کلمه‌ای با توصیفگرهای سه، چهار، و پنج‌کلمه‌ای شاهد افزایش تعداد توصیفگرهای یک‌کلمه‌ای هستیم.

همان‌گونه که در نمودار ۱ مشاهده می‌کنید نتایج حاصل از نسبت توصیفگرها با شمار کلمات گوناگون در اصفا به استثنای نسبت توصیفگرهای یک و دوکلمه‌ای، سطحی متعادل را نشان می‌دهد و صرف‌نظر از اختلافات اندک، نتایج نسبت عامل‌بندی در رابطه بین انواع توصیفگرها با شمار کلمات گوناگون در این اصطلاحنامه مشابه است. این تعادل ناشی از نزدیک بودن نتایج نسبت عامل‌بندی است که به شکل صحیحی به کاهش حجم کاربرد کلمات در ساختار توصیفگرها اشاره دارد.

نسبت عامل‌بندی در اصطلاحنامه اصول فقه

با عنایت به نتایج حاصل از شمارش تعداد

توصیفگرهای ۱ و ۲ و ... n کلمه‌ای در جامعه مورد بررسی در اصطلاحنامه اصول فقه، مشخص شد که توصیفگرهای یک کلمه‌ای معادل ۱۵۸ عدد، دو کلمه‌ای ۱۲۴۴ عدد، سه کلمه‌ای ۴۳۲ عدد، چهار کلمه‌ای ۱۳۰ عدد، پنج کلمه‌ای ۳۵ عدد، و شش کلمه‌ای ۸ عدد است. بنابراین، نسبت عامل بندی بین این توصیفگرها به شرح زیر محاسبه می‌شود:

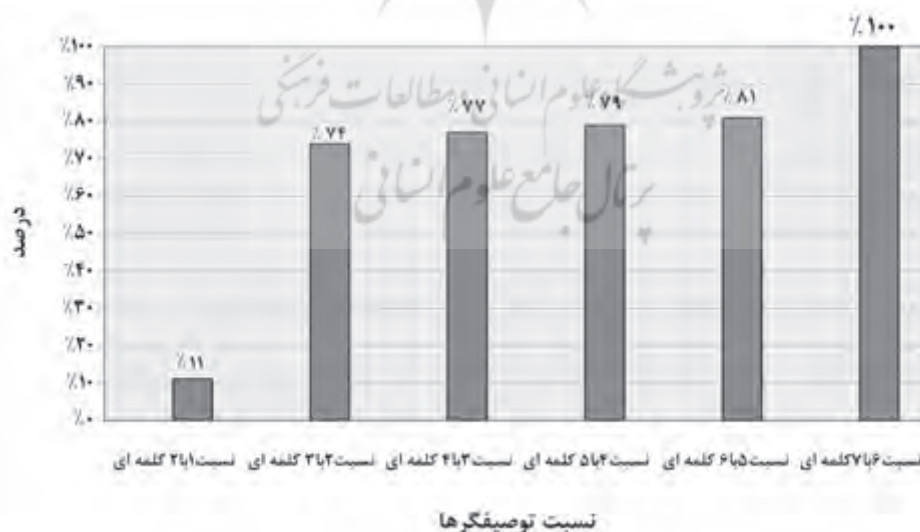
$$\frac{158}{158+1244} + \frac{1244}{1244+432} + \frac{432}{432+130} + \frac{130}{130+35} + \frac{35}{35+8} + \frac{8}{8+1}$$

$$FR = 0/1126, 0/7422, 0/7686, 0/7878, 0/8139, 1$$

حاصل محاسبات بالا نشان دهنده رابطه بین توصیفگرها با شمار کلمات گوناگون در اصطلاحنامه اصول فقه است. همان گونه که مشاهده می‌شود، تعداد توصیفگرهای یک کلمه‌ای نسبت به دو کلمه‌ای، ۱۱ درصد است. این رابطه در مقایسه با نتایج حاصل از نسبت توصیفگرهای ۲ با ۳، ۳ با ۴، و ...

کلمه‌ای، معکوس می‌شود. به این ترتیب که توصیفگرهای دو کلمه‌ای نسبت به سه کلمه‌ای ۷۴ درصد است یعنی در این نسبت تنها ۲۶ درصد از توصیفگرها اختصاص به توصیفگرهای سه کلمه‌ای یافته است. به منظور روشن شدن هرچه بیشتر مفهوم نسبت عامل بندی بین توصیفگرها با شمار کلمات گوناگون در اصطلاحنامه، نمودار ۲ ارائه می‌شود.

با توجه به نمودار ۲ مشخص است که در اصطلاحنامه اصول فقه، توصیفگرهای دو کلمه‌ای نسبت به توصیفگرهای یک کلمه‌ای درصد بیشتری دارند. به ترتیبی که از مجموع تعداد توصیفگرهای یک و دو کلمه‌ای، تنها ۱۱ درصد به توصیفگرهای یک کلمه‌ای و ۸۹ درصد به توصیفگرهای دو کلمه‌ای اختصاص یافته است. معکوس شدن این رابطه از نتایج نسبت توصیفگرهای دو کلمه‌ای به بعد، به این مفهوم است که همواره از تناسب توصیفگرهای



نمودار ۲. مقایسه توصیفگرها با شمار کلمات گوناگون در اصطلاحنامه اصول فقه

۲ با ۳ کلمه‌ای به بعد، توصیفگرهای با یک کلمه بیشتر، نسبت به توصیفگرهای با یک کلمه کمتر، از حجم کمتری برخوردارند. این رابطه بین نسبت توصیفگرها با شمار کلمات گوناگون به استثنای نسبت توصیفگرهای یک و دو کلمه‌ای، صحیح به نظر می‌رسد. چراکه حرکت تدوین‌کنندگان این اصطلاحنامه در شکل‌گیری ساختار توصیفگرها به سمت کاهش در کاربرد توصیفگرهایی با شمار کلمات بیشتر است. نکته دیگر اینکه در نمودار فوق از نسبت توصیفگرها ۳ با ۲ کلمه‌ای به بعد شاهد نتایج متوازن و متعادل نسبت عامل‌بندی بین توصیفگرها با شمار کلمات گوناگون هستیم.

تعداد توصیفگرهای یک کلمه‌ای در جامعه مورد بررسی در اصطلاحنامه اصول فقه معادل ۱۵۸ عدد و توصیفگرهای مرکب دو کلمه‌ای معادل ۱۲۴۴ عدد است. همان‌گونه که مشاهده می‌کنید اختلاف زیادی بین توصیفگرهای یک و دو کلمه‌ای در این اصطلاحنامه وجود دارد. نکته مهم این است که در این اصطلاحنامه، تعداد توصیفگرهای یک کلمه‌ای از تعداد توصیفگرهای سه کلمه‌ای نیز کمتر است. در مقابل، تعداد توصیفگرهای سه کلمه‌ای ۴۳۲ عدد است که به میزان قابل ملاحظه‌ای از توصیفگرهای مرکب دو کلمه‌ای کمتر است. این نکته مثبت ارزیابی شده و نشان از کاهش قابل توجه توصیفگرهایی با یک کلمه بیشتر در این نسبت دارد.

نسبت عامل‌بندی در اصطلاحنامه منطق
نتایج شمارش توصیفگرها با شمار

کلمات گوناگون در جامعه مورد بررسی در اصطلاحنامه منطق نشان می‌دهد که توصیفگرهای یک کلمه‌ای ۲۴۶ عدد، دو کلمه‌ای ۸۸۸ عدد، سه کلمه‌ای ۵۶۰ عدد، چهار کلمه‌ای ۳۳۷ عدد، پنج کلمه‌ای ۲۷۰ عدد، و شش کلمه‌ای ۳۵۶ عدد است. بنابراین، نسبت عامل‌بندی بین این توصیفگرها به شرح زیر است:

$$\frac{۲۴۶}{۲۴۶+۸۸۸}, \frac{۸۸۸}{۸۸۸+۵۶۰}, \frac{۵۶۰}{۵۶۰+۳۳۷}, \frac{۳۳۷}{۳۳۷+۲۷۰}, \frac{۲۷۰}{۲۷۰+۳۵۶}, \frac{۳۵۶}{۳۵۶+۰}$$

$$FR = ۰/۲۱۶۹, ۰/۶۱۳۲, ۶۲۶۲, ۵۵۵۱, ۰۳۴۱۳$$

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، تعداد توصیفگرهای یک کلمه‌ای نسبت به دو کلمه‌ای، ۲۲ درصد است. این رابطه در مقایسه با نتایج حاصل از نسبت توصیفگرهای ۲ با ۳، ۳ با ۴، و... کلمه‌ای معکوس می‌شود. به این ترتیب که توصیفگرهای دو کلمه‌ای نسبت به سه کلمه‌ای ۶۱ درصد است، یعنی در این نسبت تنها ۳۹ درصد از توصیفگرها به توصیفگرهای سه کلمه‌ای اختصاص یافته است. قابل ذکر است که در مقایسه توصیفگرهای ۴ با ۵ کلمه‌ای نسبت ۵۵ به ۴۵ در صد است. جالب توجه اینکه در نسبت توصیفگرهای ۵ با ۶ کلمه‌ای همان نوع رابطه که در توصیفگرهای ۲ با ۳ کلمه‌ای وجود دارد مشاهده می‌شود. یعنی تعداد توصیفگرهای شش کلمه‌ای بیشتر از توصیفگرهای پنج کلمه‌ای است و نیز نسبت توصیفگرهای ۶ با ۵ کلمه‌ای معادل ۶۶ درصد است. به منظور روشن شدن هرچه بیشتر مفهوم نسبت عامل‌بندی بین توصیفگرها با شمار کلمات گوناگون در این اصطلاحنامه، نمودار ۳ ارائه می‌شود.

ترتیبی که از مجموع تعداد توصیفگرهای مرکب چهار و پنج کلمه‌ای، تنها ۵۶ درصد به توصیفگرهای مرکب پنج کلمه‌ای اختصاص یافته است.

نکته مهم در تحلیل نسبت بین توصیفگرها در اصطلاحنامه منطقی این است که تعداد توصیفگرهای شش کلمه‌ای، بیشتر از توصیفگرهای پنج کلمه‌ای است. این رابطه با کاربرد تعداد کلمات کمتر در ساختار توصیفگرها و حرکت به سمت تدوین توصیفگرهای بسیط تناقض دارد. به این ترتیب، می‌توان گفت که در نسبت توصیفگرهای ۵ با ۶ کلمه‌ای در اصطلاحنامه منطقی، سطح ترکیب و پیش‌همارایی در ساختار توصیفگرها افزایش می‌یابد، به ترتیبی که در جامعه مورد بررسی در این اصطلاحنامه، از مجموع تعداد توصیفگرهای مرکب پنج و شش کلمه‌ای، تنها ۳۴ درصد به توصیفگرهای پنج کلمه‌ای و ۶۶ درصد به توصیفگرهای

همان‌گونه که در نمودار ۳ مشاهده می‌کنید در اصطلاحنامه منطقی توصیفگرهای دوکلمه‌ای نسبت به یک کلمه‌ای دارای درصد بیشتری است. به ترتیبی که از مجموع تعداد توصیفگرهای یک و دوکلمه‌ای، ۲۲ درصد به توصیفگرهای یک کلمه‌ای و ۷۸ درصد به توصیفگرهای مرکب دوکلمه‌ای اختصاص یافته است. این رابطه تنها در نسبت توصیفگرهای ۲ با ۳، ۳ با ۴ و ۴ با ۵ کلمه‌ای، معکوس می‌شود. در نسبت‌های پیش‌گفته است که شرایط نسبتاً مناسبی در کاهش شمار کلمات در ساختار توصیفگرهای مرکب مشاهده می‌شود، زیرا همواره توصیفگرهایی با یک کلمه کمتر، برخوردار از تعداد بیشتری به نسبت توصیفگرهای با یک کلمه بیشتر می‌باشند. البته این وضعیت در نسبت توصیفگرهای ۴ با ۵ کلمه‌ای به حداقل رسیده و تقریباً شاهد تعادل نسبی بین حجم توصیفگرهای چهار و پنج کلمه‌ای هستیم. به



نمودار ۳. مقایسه توصیفگرها با شمار کلمات گوناگون در اصطلاحنامه منطقی

شش کلمه‌ای اختصاص یافته است.

داشته و افزایش سطح پیش‌همارایی در ساختار توصیفگرهای این اصطلاحنامه را به نمایش می‌گذارد.

همان‌گونه که بیان شد، حجم توصیفگرهای مرکب دوکلمه‌ای بیشتر از توصیفگرهای یک‌کلمه‌ای بود. در جامعه مورد بررسی در اصطلاحنامه منطقی، تعداد توصیفگرهای یک‌کلمه‌ای ۲۴۶ عدد است. این حجم، علاوه بر اینکه به‌طور قابل ملاحظه‌ای از تعداد توصیفگرهای مرکب دوکلمه‌ای کمتر است، از حجم کلیه توصیفگرهای این اصطلاحنامه با شمار کلمات گوناگون نیز کمتر می‌باشد. از طرف دیگر، تعداد توصیفگرهای سه‌کلمه‌ای اختلاف زیادی با تعداد توصیفگرهای دوکلمه‌ای ندارد. مطالب پیش‌گفته، دلالت بر سطح ترکیب بالا در کاربرد کلمات در ساختار توصیفگرهای اصطلاحنامه منطقی

نسبت عامل‌بندی در اصطلاحنامه فلسفه
با عنایت به نتایج حاصل از شمارش تعداد توصیفگرهای ۱ و ۲ ... n کلمه‌ای در جامعه مورد بررسی در اصطلاحنامه فلسفه، مشخص شد که توصیفگرهای یک‌کلمه‌ای ۱۴۹ عدد، دوکلمه‌ای ۱۶۰۳ عدد، سه‌کلمه‌ای ۵۰۰ عدد، چهارکلمه‌ای ۳۸ عدد، پنج‌کلمه‌ای ۱۳ عدد، شش‌کلمه‌ای ۴ عدد، هفت‌کلمه‌ای ۲ عدد، و نه‌کلمه‌ای ۱ عدد می‌باشد. بنابراین، نسبت عامل‌بندی بین این توصیفگرها به شرح زیر است:

$$\frac{1}{1+0}, \frac{2}{2+1}, \frac{4}{4+2}, \frac{13}{13+4}, \frac{38}{38+13}, \frac{500}{500+38}, \frac{1603}{1603+500}, \frac{149}{149+1603}$$

$$FR = 0/085, 0/7622, 0/9293, 0/745, 0/7647, 0/666, 1$$



نمودار ۴. مقایسه توصیفگرها با شمار کلمات گوناگون در اصطلاحنامه فلسفه

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، تعداد توصیفگرهای یک کلمه‌ای نسبت به دوکلمه‌ای، ۸ درصد است. این رابطه در مقایسه با نتایج حاصل از نسبت ۲ با ۳، ۳ با ۴ ... کلمه‌ای، کاملاً معکوس می‌شود. به این ترتیب که توصیفگرهای دوکلمه‌ای نسبت به سه کلمه‌ای ۷۶ درصد است یعنی در این نسبت تنها ۲۴ درصد از توصیفگرها اختصاص به توصیفگرهای سه کلمه‌ای یافته است. به منظور روشن شدن هرچه بیشتر مفهوم نسبت عامل‌بندی بین توصیفگرها با شمار کلمات گوناگون در اصطلاحنامه فلسفه نمودار ۴ ارائه می‌شود.

با توجه به نمودار ۴ می‌توان گفت که نتایج حاصل از بررسی اصطلاحنامه فلسفه درخصوص نسبت توصیفگرها با شمار کلمات گوناگون با نتایج حاصل از اصطلاحنامه اصول فقه مشابه است. به این ترتیب، می‌توان گفت که در اصطلاحنامه فلسفه توصیفگرهای دوکلمه‌ای نسبت به یک کلمه‌ای دارای درصد بیشتری هستند. قابل ذکر است که این میزان در اصطلاحنامه فلسفه به شدت افزایش یافته به طریقی که توصیفگرهای یک کلمه‌ای نسبت به دو کلمه‌ای معادل ۸ درصد می‌باشد. اما این رابطه در نسبت توصیفگرهای دیگر معکوس می‌شود. به عبارت دیگر، این نسبت (نسبت ۲ با ۳ کلمه‌ای) در اصطلاحنامه فلسفه ۸ به ۹۲ درصد است.

همان‌گونه که در نمودار ۴ مشاهده می‌کنید، رابطه معکوس مورد اشاره در بالا به این مفهوم است که از نسبت توصیفگرهای ۲ با ۳ کلمه‌ای به بعد، شاهد افزایش شمار توصیفگرهای با یک

کلمه کمتر بوده و در مقابل، کاهش محسوس توصیفگرهای با یک کلمه بیشتر را در نسبت بین توصیفگرها با شمار کلمات گوناگون مشاهده می‌کنیم. این رابطه بین نسبت توصیفگرها با شمار کلمات گوناگون، به استثنای نسبت توصیفگرهای یک و دوکلمه‌ای، صحیح به نظر می‌رسد؛ زیرا حرکت تدوین‌کنندگان این اصطلاحنامه در شکل‌گیری ساختار توصیفگرها به سمت کاهش در کاربرد توصیفگرهایی با شمار کلمات بیشتر است. نکته دیگر اینکه در نمودار ۴ از نسبت توصیفگرها ۲ با ۳ کلمه‌ای به بعد شاهد نرخ نسبتاً متوازن و متعادل بین نتایج نسبت عامل‌بندی بین توصیفگرها با شمار کلمات گوناگون هستیم. از طرف دیگر در اصطلاحنامه فلسفه، توصیفگرهای هفت و هشت کلمه‌ای نیز مورد شناسایی قرار گرفته است.

تعداد توصیفگرهای یک کلمه‌ای در جامعه مورد بررسی در اصطلاحنامه فلسفه ۱۴۹ عدد و توصیفگرهای مرکب دوکلمه‌ای ۱۶۰۳ عدد است. همان‌گونه که مشاهده می‌کنید اختلاف زیادی بین توصیفگرهای یک و دوکلمه‌ای در این اصطلاحنامه وجود دارد. نکته مهم این است که تعداد توصیفگرهای یک کلمه‌ای از تعداد توصیفگرهای سه کلمه‌ای نیز در این اصطلاحنامه کمتر است. در مقابل، تعداد توصیفگرهای سه کلمه‌ای معادل ۵۰۰ عدد است که به میزان قابل ملاحظه‌ای از توصیفگرهای مرکب دوکلمه‌ای کمتر است. این نکته مثبت ارزیابی شده و نشان از کاهش قابل توجه توصیفگرهایی با یک کلمه بیشتر در این نسبت دارد.

نسبت عامل بندی در اصطلاحنامه علوم قرآنی

در این اصطلاحنامه توصیفگرهای یک کلمه ای معادل ۹۶ عدد، دو کلمه ای ۸۹۹ عدد، سه - کلمه ای ۶۱۹ عدد، چهار کلمه ای ۱۲۸ عدد، و پنج کلمه ای ۱۳ عدد است. بنابراین شیوه محاسبه نسبت عامل بندی بین این توصیفگرها به شرح زیر است:

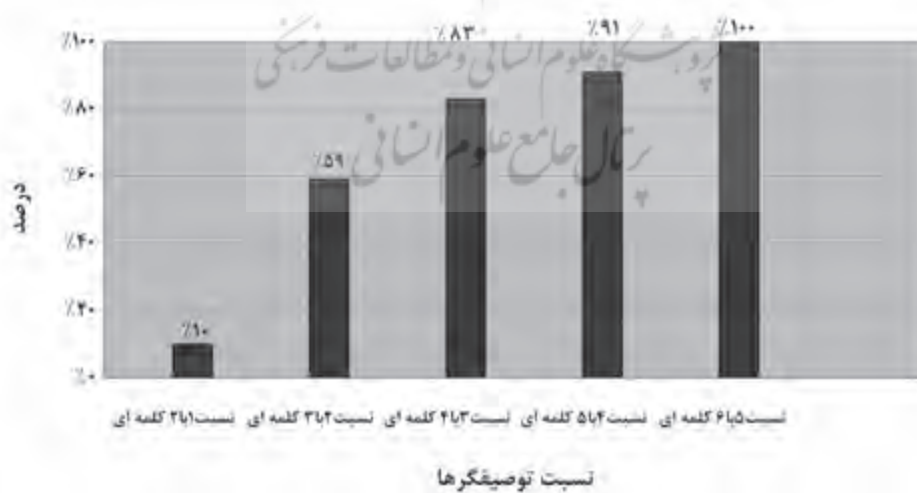
$$\frac{۹۶}{۹۶+۸۹۹} \cdot \frac{۸۹۹}{۸۹۹+۶۱۹} \cdot \frac{۶۱۹}{۶۱۹+۱۲۸} \cdot \frac{۱۲۸}{۱۲۸+۱۳} \cdot \frac{۱۳}{۱۳+۰}$$

$$FR = ۰/۰۹۶۴, ۰/۵۹۲۲, ۰/۸۲۸۶, ۰/۹۰۷۸, ۱$$

همان گونه که مشاهده می شود، تعداد توصیفگرهای یک کلمه ای نسبت به توصیفگرهای مرکب دو کلمه ای، حدود ۱۰ درصد است. این رابطه در مقایسه با نتایج حاصل از نسبت توصیفگرهای ۲ با ۳، ۳ با ۴ ... کلمه ای، معکوس می شود. به این ترتیب که حجم توصیفگرهای دو کلمه ای

نسبت به توصیفگرهای سه کلمه ای حدود ۶۰ درصد است یعنی در این نسبت ۴۰ درصد از توصیفگرها سه کلمه ای هستند. به منظور روشن شدن هرچه بیشتر مفهوم نسبت عامل بندی بین توصیفگرها با شمار کلمات گوناگون در اصطلاحنامه علوم قرآنی، نمودار ۵ ارائه می شود.

با توجه به نمودار ۵ مشخص می شود که در اصطلاحنامه علوم قرآنی توصیفگرهای دو کلمه ای نسبت به توصیفگرهای یک کلمه ای دارای درصد بیشتری است. نتایج نسبت عامل بندی در اصطلاحنامه علوم قرآنی نشان می دهد که از نسبت توصیفگرها ۲ با ۳ کلمه ای به بعد شاهد سیر صعودی نتایج نسبت عامل بندی بین توصیفگرها با شمار کلمات گوناگون هستیم. این سیر صعودی با نتایج به دست آمده از نسبت توصیفگرهای یک با دو کلمه ای متفاوت بوده و حالت



نمودار ۵. مقایسه توصیفگرها با شمار کلمات گوناگون در اصطلاحنامه علوم قرآنی

عکس را نشان می‌دهد. به این مفهوم که در تناسب بین توصیفگرها با شمار کلمات گوناگون، به استثنای نسبت توصیفگرهای یک با دوکلمه‌ای، افزایش حجم و تعداد توصیفگرهای مرکبی را که دارای یک کلمه بیشتر هستند در مقابل کاهش شمار توصیفگرهای با یک کلمه بیشتر را ملاحظه می‌کنیم. این وضعیت نمایش‌دهنده حرکت صحیح پدیدآورندگان این اصطلاحنامه در کاهش کاربرد شمار کلمات در تدوین ساختار توصیفگرها می‌باشد. لیکن وضعیت در نسبت توصیفگرهای یک و دوکلمه‌ای به شیوه‌ای دیگر است. به ترتیبی که از مجموع شمار توصیفگرهای یک و دوکلمه‌ای، حدود ۹۰ درصد از این نسبت به توصیفگرهای مرکب دوکلمه‌ای اختصاص یافته و تنها ۱۰ درصد از این مجموع را توصیفگرهای یک کلمه‌ای تشکیل می‌دهد.

نکته قابل توجه این است که تعداد توصیفگرهای یک کلمه‌ای در اصطلاحنامه علوم قرآنی، معادل ۹۶ عدد و توصیفگرهای مرکب دوکلمه‌ای معادل ۸۹۹ عدد است. در اینجا، علاوه بر افزایش چشمگیر توصیفگرهای مرکب دوکلمه‌ای، به نسبت توصیفگرهای یک کلمه‌ای، شاهد افزایش تعداد توصیفگرهای سه و چهارکلمه‌ای به نسبت توصیفگرهای یک کلمه‌ای هستیم. این بدان مفهوم است که دامنه ترکیب کلمات در توصیفگرها و سطح پیش‌همارایی در ساختار توصیفگرهای اصطلاحنامه علوم قرآنی، قابل توجه است. مؤید این مقوله، دامنه نزدیک اختلاف بین شمار توصیفگرهای مرکب دو و

سه کلمه‌ای می‌باشد. به ترتیبی که از مجموع تعداد توصیفگرهای مرکب دو و سه کلمه‌ای، حدود ۶۰ درصد به توصیفگرهای دوکلمه‌ای و حدود ۴۰ درصد به توصیفگرهای مرکب سه کلمه‌ای اختصاص یافته است.

نسبت عامل‌بندی در اصطلاحنامه کلام اسلامی

با عنایت به نتایج حاصل از شمارش تعداد توصیفگرهای ۱ و ۲ ... n کلمه‌ای در جامعه مورد بررسی در اصطلاحنامه کلام اسلامی، مشخص شد که توصیفگرهای یک کلمه‌ای ۴۶۹ عدد، دوکلمه‌ای ۱۹۰۰ عدد، سه کلمه‌ای ۱۰۶۷ عدد، چهارکلمه‌ای ۳۶۶ عدد، پنج کلمه‌ای ۸۵ عدد، شش کلمه‌ای ۱۹ عدد، و هفت کلمه‌ای ۱ عدد است. بنابراین، نسبت عامل‌بندی بین این توصیفگرها به شرح زیر است:

$$\frac{1}{1+1}, \frac{19}{19+1}, \frac{85}{85+19}, \frac{366}{366+85}, \frac{1067}{1067+366}, \frac{1900}{1900+1067}, \frac{469}{469+1900}$$

$$FR = 0/1979, 0/6403, 0/7445, 8115, 0/8173, 0/95, 1$$

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، تعداد توصیفگرهای یک کلمه‌ای نسبت به دو کلمه‌ای، ۲۰ درصد است. این رابطه در مقایسه با نتایج حاصل از نسبت توصیفگرهای ۲ با ۳، ۳ با ۴ ... کلمه‌ای، کاملاً معکوس می‌شود. به این ترتیب که حجم توصیفگرهای دوکلمه‌ای نسبت به توصیفگرهای سه کلمه‌ای ۶۴ درصد است، یعنی در این نسبت به میزان ۳۶ درصد از توصیفگرها، سه کلمه‌ای هستند. به منظور روشن شدن هرچه بیشتر مفهوم نسبت

عامل بندی بین توصیفگرها با شمار کلمات گوناگون در اصطلاحنامه کلام اسلامی، نمودار ۶ ارائه می شود.

با توجه به نمودار ۶ مشخص می شود که در اصطلاحنامه کلام اسلامی توصیفگرهای دو کلمه ای نسبت به توصیفگرهای یک کلمه ای، حجم بیشتری (یعنی معادل ۸۰ درصد) را به خود اختصاص داده اند. رابطه معکوس مورد اشاره در بالا به این مفهوم است که از نسبت توصیفگرهای ۲ با ۳ کلمه ای به بعد، نشان دهنده افزایش شمار توصیفگرهای با یک کلمه کمتر بوده و در مقابل، کاهش محسوس توصیفگرهای با یک کلمه بیشتر را در نسبت بین توصیفگرها با شمار کلمات گوناگون نمایان می سازد. این رابطه بین نسبت توصیفگرها با شمار کلمات گوناگون، به استثنای نسبت توصیفگرهای یک و دو کلمه ای، صحیح به نظر می رسد؛ زیرا حرکت تدوین کنندگان این اصطلاحنامه در شکل گیری ساختار توصیفگرها به سمت کاهش در کاربرد توصیفگرهایی با شمار

کلمات بیشتر است. نکته دیگر اینکه در نمودار ۶ از نسبت توصیفگرها ۲ با ۳ کلمه ای به بعد شاهد سیر صعودی نتایج نسبت عامل بندی بین توصیفگرها با شمار کلمات گوناگون هستیم. تعداد توصیفگرهای یک کلمه ای در اصطلاحنامه کلام اسلامی ۴۶۹ عدد و توصیفگرهای مرکب دو کلمه ای معادل ۱۹۰۰ عدد است. همان گونه که مشاهده می کنید اختلاف زیادی بین توصیفگرهای یک و دو کلمه ای در این اصطلاحنامه وجود دارد. نکته مهم این است که تعداد توصیفگرهای یک کلمه ای از تعداد توصیفگرهای سه کلمه ای نیز در این اصطلاحنامه کمتر است. از طرف دیگر، تعداد توصیفگرهای سه کلمه ای ۱۰۶۷ عدد است که دامنه اختلاف زیادی با توصیفگرهای دو کلمه ای ندارد. کاهش قابل توجه تعداد توصیفگرهای یک کلمه ای، به نسبت توصیفگرهای دو و سه کلمه ای، و نیز اختلاف نزدیک تعداد توصیفگرهای مرکب دو و سه کلمه ای، از دیدگاه ترکیب کلمات در



نمودار ۶. مقایسه توصیفگرها با شمار کلمات گوناگون در اصطلاحنامه کلام

توصیفگرهای مرکب و سطح پیش‌همارایی در ساختار توصیفگرهای در اصطلاحنامه کلام اسلامی قابل توجه است.

نکته دیگر اینکه، در نمودار ۶ مشاهده می‌کنید در اصطلاحنامه کلام اسلامی از نسبت توصیفگرهای ۳ با ۲ کلمه‌ای به بعد شاهد سیر صعودی نتایج نسبت عامل‌بندی بین توصیفگرها با شمار کلمات گوناگون هستیم.

بحث و بررسی

نتایج نسبت عامل‌بندی در اصفا و اصطلاحنامه‌های علوم اسلامی

در این بخش به بحث و بررسی نتایج حاصل از محاسبه نسبت عامل‌بندی در توصیفگرهای اصطلاحنامه‌های اصفا، اصول فقه، منطق، فلسفه، علوم قرآنی، و کلام اسلامی می‌پردازیم. به این ترتیب، نتایج حاصل از نسبت توصیفگرها با شمار کلمات گوناگون تحلیل شده و امکان مقایسه این نتایج در کنار هم، امکان‌پذیر خواهد بود. نتایج پیش‌گفته در جدول ۱ نمایش داده می‌شود.

با عنایت به نتایج به‌دست آمده از ارزیابی نسبت عامل‌بندی در توصیفگرهای ۱ با ۲

کلمه‌ای، مشاهده می‌شود که اصطلاحنامه‌های اصفا، منطق، و کلام دارای نتایج نسبتاً مشابه بوده و به ترتیب از بیشترین توصیفگرهای یک‌کلمه‌ای استفاده کرده‌اند. به این ترتیب که در اصفا در نسبت توصیفگرهای یک با دو کلمه‌ای، عدد ۰/۲۶ حاصل شده است. یعنی از مجموع ۱۰۰ توصیفگر در این نسبت، ۲۶ مورد آن یک کلمه‌ای و ۷۴ مورد آن دو کلمه‌ای است. نتایج حاصل از نسبت توصیفگرهای یک و دو کلمه‌ای در اصطلاحنامه‌های دیگر کاهش محسوسی را نشان می‌دهد. کمترین نتیجه به‌دست آمده در این گروه، متعلق به اصطلاحنامه فلسفه با ۰/۰۸ است. به این مفهوم که از مجموع ۱۰۰ توصیفگر در این نسبت، تنها ۸ مورد آن یک‌کلمه‌ای است.

علی‌رغم شباهت‌ها و اختلافاتی که در نتایج به‌دست آمده از نسبت عامل‌بندی در توصیفگرهای یک و دو کلمه‌ای مشاهده می‌شود، کلیه نتایج حاکی از آن است که تعداد توصیفگرهای یک‌کلمه‌ای به شکل قابل ملاحظه‌ای از توصیفگرهای مرکب دو کلمه‌ای کمتر است. این کاهش در اصطلاحنامه‌های اصفا، منطق، و کلام اسلامی به مراتب کمتر از اصطلاحنامه‌های

جدول ۱. نتایج نسبت عامل‌بندی در ارزیابی اصطلاحنامه اصفا و اصطلاحنامه‌های علوم اسلامی

تعداد کلمات در توصیفگرها	نسبت ۱ با ۲ کلمه‌ای	نسبت ۲ با ۳ کلمه‌ای	نسبت ۳ با ۴ کلمه‌ای	نسبت ۴ با ۵ کلمه‌ای	نسبت ۵ با ۶ کلمه‌ای	نسبت ۶ با ۷ کلمه‌ای	نسبت ۷ با ۸ کلمه‌ای	نسبت ۸ با ۹ کلمه‌ای
اصفا	۰/۲۶	۰/۷۹	۰/۹	۰/۹۶	۱			
اصول فقه	۰/۱۱	۰/۷۴	۰/۷۶	۰/۷۸	۰/۸۱	۱		
منطق	۰/۲۲	۰/۶۱	۰/۶۲	۰/۵۵	۰/۳۴	۱		
فلسفه	۰/۰۸	۰/۷۶	۰/۹۲	۰/۷۴	۰/۷۶	۰/۶۶	۰/۶۶	۱
علوم قرآنی	۰/۰۹	۰/۵۹	۰/۸۲	۰/۹۱	۱			
کلام	۰/۱۹	۰/۶۴	۰/۷۴	۰/۸۱	۰/۸۲	۰/۹۵	۱	

فلسفه، علوم قرآنی، و اصول فقه است. بهترین نتیجه در این نسبت در اصطلاحنامه‌های مورد ارزیابی، متعلق به اصفاست.

نتایج به دست آمده از محاسبه نسبت عامل‌بندی در توصیفگرهای با شمار کلمات گوناگون، به استثنای نسبت توصیفگرهای یک و دو کلمه‌ای، نیز در شرایط نسبتاً مشابهی قرار دارد. به این ترتیب که از نسبت توصیفگرهای دو و سه کلمه‌ای به بعد، شاهد افزایش توصیفگرهایی هستیم که از یک کلمه کمتر برخوردارند. به عنوان مثال، در نسبت توصیفگرهای دو و سه کلمه‌ای در اصفاء، نتیجه ۰/۷۹ به دست آمده است؛ یعنی از مجموع ۱۰۰ توصیفگر در این نسبت، تعداد ۷۹ مورد دو کلمه‌ای و ۲۱ مورد سه کلمه‌ای است. در نسبت توصیفگرهای سه و چهار کلمه‌ای، از مجموع ۱۰۰ توصیفگر در این نسبت، تعداد ۹۰ مورد سه کلمه‌ای و ۱۰ مورد چهار کلمه‌ای است. در نسبت توصیفگرهای چهار و پنج کلمه‌ای، از مجموع ۱۰۰ توصیفگر در این نسبت، تعداد ۹۶ مورد چهار کلمه‌ای و تنها ۴ مورد پنج کلمه است.

وضعیت پیش گفته به این مفهوم است که در اصطلاحنامه‌های مورد ارزیابی (البته به استثنای برخی از نتایج حاصل از اصطلاحنامه منطق) از نسبت توصیفگرهای دو و سه کلمه‌ای به بعد، تعداد توصیفگرهایی که دارای یک کلمه کمتر هستند به شکل قابل ملاحظه‌ای افزایش می‌یابد. یا به عبارت دیگر، توصیفگرهای با یک کلمه بیشتر، از حجم کمتری نسبت به توصیفگرهای با یک کلمه کمتر برخوردار می‌شوند. به طور کلی

می‌توان گفت که اصحاب اصطلاحنامه‌های اصفاء، اصول فقه، فلسفه، علوم قرآنی، و کلام اسلامی به سمت کاهش کاربرد تعداد کلمات در ساختار توصیفگرهای خود پیش رفته‌اند.

بهترین نتایج در کاهش کاربرد تعداد کلمات در ساختار توصیفگرها، توسط اصطلاحنامه‌های اصفاء، اصول فقه و فلسفه کسب شده است. ملاک این ارزیابی نتایج به دست آمده از نسبت توصیفگرهای دو و سه کلمه‌ای است؛ زیرا در کلیه اصطلاحنامه‌های مورد ارزیابی بیشترین تعداد توصیفگر، متعلق به توصیفگرهای دو و سه کلمه‌ای است. پس هر چه نتیجه به دست آمده در نسبت توصیفگرهای دو و سه کلمه‌ای بیشتر باشد، اصطلاحنامه‌ها در کاهش کاربرد کلمات در ساختار توصیفگرها و کاهش سطح پیش‌همارایی موفق‌تر بوده‌اند. در اینجا به منظور تبیین مفهوم مورد نظر به ارائه مثالی از اصفاء می‌پردازیم. اصفاء در نسبت توصیفگرهای دو و سه کلمه‌ای، نتیجه ۰/۷۹ را کسب کرده است که بیشترین نسبت در بین اصطلاحنامه‌های مورد ارزیابی است. این بدان مفهوم است که از مجموع ۱۰۰ توصیفگر در این نسبت، ۷۹ مورد دو کلمه‌ای و ۲۱ مورد سه کلمه‌ای است. اهمیت این نتیجه با ارائه مقادیر توصیفگرهای دو و سه کلمه‌ای روشن‌تر می‌شود. در جامعه مورد بررسی در اصفاء، تعداد توصیفگرهای دو کلمه‌ای معادل ۲۲۰۱ عدد است و پس از توصیفگرهای دو کلمه‌ای و توصیفگرهای یک کلمه‌ای (معادل ۷۸۹ عدد)، توصیفگرهای سه کلمه‌ای به میزان ۵۶۹ عدد وجود دارد. با وجود این، مقادیر می‌توان گفت که کاهش چشمگیر توصیفگرهای سه کلمه‌ای به

نسبت توصیفگرهای دوکلمه‌ای، نشان‌دهنده حرکت تدوین‌کنندگان اصفا در کاهش سطح پیش‌همارایی در ساختار توصیفگرها بوده است.

همان‌گونه که پیش‌تر گفتیم، در مقایسه نتایج به‌دست آمده از نسبت توصیفگرهای دو و سه‌کلمه‌ای به بعد در اصطلاحنامه‌های مورد بررسی، شاهد تشابه نسبی در نتایج نسبت عامل‌بندی هستیم. تنها مورد استثناء، نتایج حاصل از نسبت عامل‌بندی در توصیفگرهای اصطلاحنامه منطق است. به این ترتیب که در اصطلاحنامه منطق در مقایسه نسبت توصیفگرهای ۵ با ۶ کلمه‌ای شاهد نتیجه‌ای دیگر هستیم. نتیجه حاصل از نسبت توصیفگرهای ۵ با ۶ کلمه‌ای معادل ۰/۳۴ است. این بدان مفهوم است که از مجموع ۱۰۰ توصیفگر در این نسبت، تنها ۳۴ مورد پنج‌کلمه‌ای و ۶۶ مورد شش‌کلمه‌ای است؛ یعنی حجم توصیفگرهای شش‌کلمه‌ای در این اصطلاحنامه، بیشتر از توصیفگرهای پنج‌کلمه‌ای بوده است. بنابراین، در این گروه از نسبت‌ها، تدوین‌کنندگان اصطلاحنامه منطق در جهت کاهش کاربرد تعداد کلمات در ساختار توصیفگرها و کاهش سطح پیش‌همارایی، حرکت نکرده‌اند. این نتیجه در شرایطی حاصل می‌شود که اصطلاحنامه منطق در بین سایر اصطلاحنامه‌های علوم اسلامی، دارای بیشترین توصیفگر یک‌کلمه‌ای بوده و بهترین نتیجه را در نسبت توصیفگرهای یک و دوکلمه‌ای (۰/۲۲) در بین سایر اصطلاحنامه‌های علوم اسلامی، کسب کرده است.

نتیجه‌گیری

در اینجا به ارائه نتایج حاصل از ارزیابی نسبت عامل‌بندی در تحلیل میزان کاربرد توصیفگرها با شمار کلمات گوناگون در اصطلاحنامه‌های اصفا، اصول فقه، منطق، فلسفه، علوم قرآنی، و کلام اسلامی می‌پردازیم:

۱. در کلیه اصطلاحنامه‌های مورد بررسی، تعداد توصیفگرهای یک‌کلمه‌ای کمتر از توصیفگرهای مرکب دوکلمه‌ای بوده است. به این ترتیب، حرکت به سمت عامل‌بندی اصطلاحات مرکب دوکلمه‌ای، به منظور ایجاد توصیفگرهای واحد در سیاست تدوین این اصطلاحنامه‌ها، به‌طور کامل در نظر نبوده یا ضرورت‌های کاربرد اصطلاحات مرکب رجحان داشته است.
۲. بیشترین میزان کاربرد توصیفگرهای یک‌کلمه‌ای به نسبت سایر اصطلاحنامه‌های مورد بررسی به ترتیب در اصطلاحنامه‌های اصفا، منطق، و کلام اسلامی قابل شناسایی بوده است.
۳. در نسبت توصیفگرهایی که در ساختار آنها بیش از دو کلمه استفاده شده است، شاهد حرکت تدوین‌کنندگان اصطلاحنامه‌های مورد ارزیابی (به استثنای اصطلاحنامه اصول فقه) به سمت کاهش کاربرد تعداد کلمات در ساختار توصیفگرها هستیم. به این ترتیب می‌توان گفت که عامل‌بندی اصطلاحات مرکب در پرهیز از کاربرد توصیفگرهای مرکب چندکلمه‌ای در دستور کار تدوین‌کنندگان این اصطلاحنامه‌ها بوده است.
۴. به‌طور کلی می‌توان گفت که بهترین نتایج در کاهش سطح پیش‌همارایی در تدوین ساختار توصیفگرها به ترتیب در

اصطلاحنامه‌های اصفاء، اصول فقه، و فلسفه محقق شده و به دنبال آنها، اصطلاحنامه‌های علوم قرآنی و کلام اسلامی قرار می‌گیرند.

۵. اصطلاحنامه منطقی در کاهش کاربرد تعداد کلمات در ساختار توصیفگرهای خود، نتایج کاملاً صحیحی نداشته است. این در شرایطی است که این اصطلاحنامه پس از اصفاء، از بیشترین توصیفگر یک کلمه‌ای استفاده کرده و در این خصوص در بین سایر اصطلاحنامه‌های علوم اسلامی دارای نتایج بهتری است.

۶. در اصطلاحنامه‌های مورد بررسی، بیشترین حجم توصیفگرهای مرکب، به توصیفگرهای دو کلمه‌ای اختصاص یافته است. این مقوله نیز نشان از تجزیه‌ی توصیفگرهای مرکب چند کلمه‌ای داشته یا ضرورت وجود اینگونه توصیفگرها را در اصطلاحنامه‌های مورد بررسی نشان می‌دهد.

۷. در کلیه اصطلاحنامه‌های علوم اسلامی (به استثنای اصطلاحنامه علوم قرآنی) توصیفگرهای مرکب شش کلمه‌ای مورد شناسایی قرار گرفته است. در جامعه مورد بررسی اصطلاحنامه فلسفه، توصیفگرهای هفت و هشت کلمه‌ای هم دیده می‌شود. البته تعداد این توصیفگرها محدود است، ولی انجام پژوهش به منظور عامل‌بندی آنها یا سیاست‌گذاری پیرامون ضرورت حضور اینگونه توصیفگرها، ضروری به نظر می‌رسد.

پیشنهادات

نتایج حاصل از تحلیل نسبت کلمات با شمار کلمات گوناگون در اصطلاحنامه‌های اصفاء، اصول فقه، منطقی، فلسفه، علوم قرآنی، و کلام

اسلامی، نشان داد که ضرورت توجه به مقوله عامل‌بندی، به منظور کاربرد توصیفگرهای بسیط و کاهش میزان اصطلاحات مرکب، ضروری به نظر می‌رسد. از طرف دیگر، اگر کاربرد توصیفگرهای مرکب با عنایت به حیطة موضوعی اصطلاحنامه‌ها، مورد تأکید باشد، پیشنهاد می‌شود در سیاست تدوین اصطلاحنامه‌ها لحاظ شده و در مقدمه اصطلاحنامه درج گردد. بیان شیوه عامل‌بندی، دلایل عامل‌بندی اصطلاحات مرکب، دلایل کاربرد توصیفگرهای مرکب - خصوصاً توصیفگرهای مرکب چند کلمه‌ای - در راهنما یا سیاست پیش‌گفته به منظور راهنمایی نمایه‌سازان و استفاده‌کنندگان و ایجاد یکدستی در واژگان اصطلاحنامه پیشنهاد می‌شود.

اصطلاحنامه منطقی از دیدگاه کاربرد توصیفگرهای مرکب در بین سایر اصطلاحنامه‌های مورد بررسی، بیشترین حجم را در کاربرد اصطلاحات مرکب داشته و از طرف دیگر رابطه کاملاً صحیحی بین کاربرد و حجم توصیفگرهای مرکب از دیدگاه شمار کلمات به کار رفته در آنها دیده نمی‌شود. به این ترتیب پیشنهاد در ویرایش این اثر مقوله کاربرد توصیفگرهای مرکب و حجم توصیفگرهای مرکب چند کلمه‌ای مورد تحلیل قرار گیرد.

تحلیل شمار کلمات در توصیفگرهای اصطلاحنامه‌های علوم اسلامی وجود توصیفگرهای شش کلمه‌ای آشکار ساخت؛ به همین دلیل تحلیل سطح پیش‌همارایی در ساختار توصیفگرهای این اصطلاحنامه‌ها پیشنهاد می‌شود. قابل ذکر است که اصطلاحنامه علوم قرآنی از این نظر مستثناست.

spring2001-2002.pdf

9. Dextre Clarke, Stella G. *Integrated public sector vocabulary: Editorial policy version 1.2*. London: e-Government Unit, 2005. [on-line]. Available: <http://www.esd.org.uk/documents/IPSVEditorialPolicy.pdf>

10. Erdmann, Christopher. "Seasurtus: Marine Organisms Thesaurus". 2005. [on-line]. Available: <http://individual.utoronto.ca/jemai/537-2005/Thesauri/Seasaurus/index.htm>. [12 Jan. 2008].

11. Ganzmann, Jochen. "Criteria for the evaluation of thesaurus software". In Willpower Information: Information Management Consultants. 1997. [on-line]. Available: <http://www.willpowerinfo.co.uk/ganzmann.htm>. [12 Jan. 2008].

12. Holm, Stuart. "Guidelines for constructing a museum object name thesaurus". 2007. [on-line]. Available: <http://www.mda.org.uk/spectrum-terminology/hlm.htm>. [5 Jan. 2008].

13. *IPSV maintenance guide: Integrated public sector vocabulary*. London: e-Government Unit, 2006. [on-line]. Available: <http://www.esd.org.uk/documents/IPSVMaintenanceGuide.pdf>

14. Järvelin, Kalervo. "Data model for query expansion in thesaurus construction". In *Annual International ACM SIGIR Conference on Research and Development in Information Retrieval* (22th.: 2006: New York). New York, NY: ACM, 2006, pp.177 - 201.

تاریخ تأیید: ۱۳۸۶/۱۱/۸

منابع

۱. آوستین، درک؛ دیل، پیتر. *تهیه و گسترش اصطلاح‌نامه‌های یک‌زبانه*. ترجمه عباس حری. تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی، مرکز اطلاعات و مدارک علمی، ۱۳۶۵.

۲. امیرحسینی، مازیار. «ارزیابی عوامل کمی و کیفی مؤثر در نظام ذخیره و بازیابی اطلاعات در اصطلاح‌نامه‌های فارسی». پایان‌نامه دکتري کتابداری و اطلاع‌رسانی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شیراز، ۱۳۸۶.

۳. دیانی، محمدحسین. *گلوگاه‌های پژوهش در علوم اجتماعی*. مشهد: کتابخانه رایانه‌ای، ۱۳۸۲.

۴. منشادی، مرتضی. *روش تحقیق و مرجع‌شناسی*. بندرعباس: دانشگاه هرمزگان، ۱۳۸۰.

5. Aitchinson, Jean. *Thesaurus construction: A practical manual*. London: Aslib, 1990.

6. Austin, Derek. "Principles and techniques of thesaurus construction". In Seminar on Indexing Languages and Thesaurus Construction, Paris: United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization, 1981. [on-line]. Available: <http://unesdoc.unesco.org/images/0004/000452/045246eo.pdf>

7. CABI Classified Thesaurus. Editor Peter Wightman. 1999. [on-line]. Available: http://www.bodley.ox.ac.uk/users/millsr/courses/Documentation/CAB%20Abstracts/THESHTML/CLASS_EN.HTM. [1 Jan. 2008].

8. Defriez, Philip. "Thesaurus development at the department of health". Circle of State Librarians, Issue 2001-2 (Winter/Spring 2005). pp. 7 -36. [on-line]. Available: <http://www.nglis.org.uk/winter->